

ارزیابی اثرات منفی خصوصی سازی بر میزان فقر و شکاف درآمدی در برنامه پنجم توسعه^۱

سپهر سید سجادی^۲ محمد کتابی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶، تاریخ بازنگری: ۱۳۹۶/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

خصوصی سازی به عنوان فرایندی اجرایی و مؤثر در رشد اقتصادی و افزایش کارایی در دوران حاضر مورد استقبال بسیاری از سیاستگذاران در کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است، همچنین این فرایند توانسته در حوزه‌های اقتصادی رشد اقتصادی را نیز در مواردی به ارمغان آورد. پژوهش حاضر برنامه پنجم توسعه را از حیث وجود برخی سیاست‌هایی که خصوصی سازی را تشویق و یا تسهیل می‌نمایند با بهره‌گیری از روش تحلیل ثانویه بررسی نموده و اثرات نامطلوبی، همچون شکاف درآمدی و فقر را متأثر از روش‌های اجرایی ناقص و یا ناصحیح خصوصی سازی در این برنامه می‌داند. بر این اساس به دنبال اجرای سیاست‌های خصوصی سازی طی برنامه‌های پیشین و انتقال تبعات آن به این دوره و نیز طی دوره اجرای برنامه پنجم توسعه، شکاف در آمدی بین سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ روندی افزایشی را طی کرده و نابرابری‌های جغرافیایی در توزیع امکانات به چشم می‌خورد. کاهش فقر نیز طی این دوره روند مطلوبی را طی نکرده و نتایج رضایت بخشی را نشان نمی‌دهد. ارزیابی اثرات و ریشه‌یابی آثار منفی خصوصی سازی که هدف اصلی پژوهش حاضر است می‌تواند در تدوین برنامه‌های آتی توسعه از بروز آسیب پیشگیری نماید.

۱- مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری

۲ - دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا Email: sepehrsajady@gmail.com

۳ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا Email: mktabi@iaush.ac.ir

کلمات کلیدی: خصوصی سازی، ایران، برنامه پنجم توسعه، لیبرالیسم، شکاف درآمدی، فقر

۱- مقدمه

خصوصی سازی از جمله شاخص‌ها و الزامات مکتب فکری لیبرالیسم است. این مکتب در سه زمینه فلسفی، سیاسی اقتصادی اصول و مبنای خود را ارائه داده است. لیبرالیسم با بهره گیری از اصول و معیارهای خاص خود توانسته در بسیاری از کشورها به عنوان سنت فکری غالب جایگاهی بیابد و از این مسیر به تداوم خویش کمک نماید. سیاستگذاری در کشور ما نیز گاه متأثر از برخی قواعد و ملاک‌های لیبرالیستی قرار گرفته که وجود برخی مواد و بندهای موجود و یا مستتر در برنامه‌های توسعه پنج ساله می‌تواند دلیلی بر این مدعی باشد. پژوهش حاضر با هدف مطالعه و بررسی اثرات شاخصه خصوصی سازی و گرایش به اقتصاد آزاد، می‌کوشد تا با بررسی برخی آسیب‌ها و معایب موجود در جامعه به ارتباط این آسیب‌ها با پدیده خصوصی سازی بپردازد. این پژوهش در پاسخ به این سؤال سامان می‌یابد که آیا گرایش به خصوصی سازی به عنوان یکی از شاخصه‌های اقتصاد لیبرال، در برنامه توسعه پنجم منجر به بروز آسیب‌هایی در جامعه ایرانی شده است؟

پرسش‌های دیگری نیز به عنوان پرسش‌های فرعی در این پژوهش مورد توجه قرار خواهد گرفت از آن جمله پاسخ به این سؤال که آیا برنامه‌های اقتصاد لیبرالیستی برنامه‌های موفق در جهان بوده؟ اقتصاد بازار چه آسیب‌هایی را موجب می‌گردد؟ و آیا می‌توان ارتباط وثیقی میان آسیب‌های مورد نظر و گرایش به لیبرالیسم در اقتصاد یافت؟

به منظور پاسخ به این سؤال‌ها ابتدا خصوصی سازی به عنوان شاخصی لیبرالی معرفی می‌گردد و سپس با بررسی مشکلات اقتصادی در جامعه ایرانی تلاش می‌شود علل بروز این مشکلات شناسایی گردد. طبیعی است نمی‌توان قطع به یقین علت تامه مشکلاتی چون فقر و نابرابری را در خصوصی سازی جستجو نمود. پژوهش حاضر نیز صرفاً با معرفی خصوصی سازی و تأکید بر تبعات اجرای نا صحیح و یا ناقص آن با این فرضیه به پیش می‌رود که، بکار بست سیاستگذاری‌ها با گرایش لیبرالی و به ویژه خصوصی سازی در برنامه توسعه پنج ساله پنجم باعث شدت گرفتن بروز آسیب‌هایی همچون فقر و شکاف درآمدی در کشور شده است. نو آوری این پژوهش در نگرش کلی آن به آسیب‌هایی که در تداوم اجرای سیاست‌های خصوصی سازی پدید آمده است نمودار می‌شود و آسیب شناسی را با عمق بیشتری دنبال می‌کند همچنین باب مطالعات جدیدی را در این حوزه می‌گشاید.

۲- پیشینه تحقیق

همانگونه که سیاستگذاری بر اساس اقتصاد بازار در کشور ما طرفدارانی را داشته منتقدان و مخالفان گسترده‌ای را نیز در بین اقشار مختلف و نخبگان سیاسی و اقتصادی و نیز دانشگاهیان به خود اختصاص داده است. در این بخش با اشاره به برخی نظرات منتقدین خصوصی‌سازی به بروز آسیب‌های ناشی از فرایند خصوصی‌سازی در ایران خواهیم پرداخت.

در پژوهشی که با عنوان بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران به انجام رسیده با استفاده از شاخص‌های اقتصادی که نمایانگر اقتصاد آزاد در کشور ما می‌باشد، نوعی مدل‌سازی صورت گرفته که نتایج آن در سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ حکایت از آن دارد که سیاست‌های انبساطی پولی یعنی افزایش در ذخایر بانکی و افزایش اعتبارات بخش خصوصی می‌تواند در عین حال که رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد، آثار افزایش نابرابری را به دنبال داشته باشند. (داوودی ۱۳۸۶:۳۱۲).

معافی (۱۳۸۸) با مطالعه موردی بر سهام عدالت به ارزیابی خصوصی‌سازی در ایران پرداخته است. بر اساس نتایج این پژوهش که ضریب جینی را به عنوان ملاک سنجش کمی انتخاب نموده مشاهده می‌شود که «سهام عدالت تأثیر اندکی روی ضریب جینی هزینه‌های دهک‌های شهری و روستایی جامعه بصورت کل دارد و در صورت عدم وجود چارچوب قانونی و نظارتی مناسب، آزاد شدن خرید و فروش سهام عدالت می‌تواند علاوه بر ایجاد تورم در اقتصاد، باعث افزایش نابرابری گردد.» (زهره معافی، ۱۳۸۸:۱۰۲).

کابلی زاده (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی معتقد است «معمولاً دارایی شرکت‌های دولتی تنها به بخش محدودی از مردم منتقل می‌شود که معمولاً از اقشار توانمند جامعه هستند و توانایی خرید سهام و مشارکت در طرح‌های سرمایه‌ای دولت را دارند. بنابر این در اغلب جوامع معمولاً با اجرای سیاست خصوصی‌سازی توزیع ثروت و درآمد به دلیل انباشت درآمد حاصل از نگهداری سهام در دست عده‌ای خاص نا عادلانه تر شده است.» (کابلی زاده، ۱۳۸۴:۱۳).

بر اساس مطالعات انجام شده توسط ستاری فر (۱۳۷۴) «در کشورهایی که فاصله درآمد متوسط سرانه و درآمد فقیرترین افراد زیاد باشد (مانند ایران) و تصور همگانی جامعه بدین گونه باشد که ۱۰ تا

۲۰ درصد از اغنیا درآمدی برابر با ۵۰ درصد از کل مردم را دارند، اصل عدالت اجتماعی در مراحل اولیه رشد از اولویت برخوردار می‌گردد.» (ستاری فر، ۱۳۷۴: ۲۳۲).

مقبل (۱۳۷۲) در یک بررسی پیرامون مشکلات خصوصی سازی به ویژه در خصوص مشکلات اجتماعی آن متذکر می‌شود ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، ساختمانی و یا حفاظت محیط زیست و ثروت‌های ملی از طرف مؤسسات دولتی در بسیاری از بخشهای اجتماعی امری مطلوب و قابل قبول است چراکه واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی می‌تواند موجب محرومیت بخش‌هایی از جامعه از این مواهب گردد. (مقبل، ۱۳۷۲: ۶۰ و ۵۹).

ریعی (۱۳۸۹) شکاف درآمدی را از لحاظ امنیتی مورد بررسی قرار داده و در انتهای پژوهش خود به این نتایج اشاره می‌کند: «بررسی خصوصیات اقتصادی، فرهنگی ایران حاکی است که جامعه ایران در حال حاضر دو نوع نامنی ناشی از آثار اقتصادیتوزیع درآمد را به طور همزمان با خود حمل می‌نماید. از یک سو اجرای پنج برنامه قبل از انقلاب و چهار برنامه بعد از انقلاب، تحولات فرهنگی، سیاسی و نیز طبقات جدید اجتماعی را در ایران به وجود آورده است. از سوی دیگر، شکاف طبقاتی و طبقات به حاشیه کشانده شده بخش قابل توجهی از جمعیت ایران را به خود اختصاص داده است. (ریعی، ۱۳۸۹: ۱۲۷) وی در بررسی خود وجود شکاف را متأثر از تحولات و سیاست‌های اعمالی می‌داند و خطرات بالفعل و بالقوه ناشی از شکاف طبقاتی بر امنیت کشور را به سیاستگذاران گوشزد می‌کند.

اسلامی (۱۳۹۳) نابرابری درآمد را از بعد اقتصادی نگریسته و معتقد است «که افزایش تولید در کشور (رشد اقتصادی) طی دوره مورد مطالعه، ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶، نه تنها نتوانسته است نسبت مجموع هزینه سرانه سه گروه بالای درآمدی (هزینه ای) به مجموع هزینه سرانه سه گروه پایین درآمدی (هزینه ای) را کاهش دهد، بلکه موجب افزایش شکاف مذکور شده است. به عبارت دیگر، این فرضیه که رشد اقتصادی به تنهایی می‌تواند شکاف درآمدی را در کشور کاهش دهد رد شده است. به هر حال، سیاست‌های اعمال شده در جهت افزایش رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نتوانسته است موجبات کاهش اختلاف بین گروه‌های بالای درآمدی (هزینه) با گروه‌های پایین درآمدی (هزینه) را فراهم آورد. بنابراین از آنجایی که انتظار می‌رود با رفع برخی مشکلات در کشور سیاست‌های با ثبات تری در اقتصاد کلان توسط دولت جدید دنبال گردد، نتیجه آن در چند سال آینده تغییر جهت نرخ رشد اقتصادی از منفی به طرف

مثبت خواهد بود. در این شرایط با توجه به ساختار اقتصاد ایران (سطوح پایین تولید در کشور) انتظار می‌رود که نابرابری در سال‌های آینده افزایش یابد. (اسلامی، ۱۳۹۳: ۵۴).

همچنین کتابی (۱۳۷۴) در پژوهشی پیرامون تورم و اثرات متقابل آن بر شکاف درآمدی به این نتیجه گواهی می‌دهد که افزایش تورم در مراحل تورم را در پی دارد و تورم بواسطه ویژگیهای بارز خود که عدم تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و در آمد هاست. بدین ترتیب که بهای برخی از کالاها و درآمد بعضی از طبقات با آهنگی بسیار شدید افزایش می‌یابد و حال آنکه قیمت دیگر کالاها و درآمد سایر طبقات و قشرها به کندی بالا می‌رود و یا حتی ثابت می‌ماند. این عدم تناسب موجب می‌شود که عواید (و نیز ثروت) برخی طبقات و گروه‌ها (از جمله دارندگان درآمد متغیر نظیر تجار، اکثر صاحبان حرف و مشاغل، بعضی از کارگران و نیز اغلب مالکان اراضی و مستغلات و ...) افزایش یابد. به این ترتیب تورم بالمال به توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها در جامعه می‌انجامد و موجب پیدایش و یا تقویت بعضی گروه‌ها به قیمت حذف و یا تضعیف طبقات و قشرهای دیگر می‌شود. (کتابی، ۱۳۷۴: ۱۹).

بر اساس مطالعات آماری و اقتصاد سنجی صورت گرفته توسط ابراهیمی (۱۳۸۸) توجه به متغیرهای صادرات، واردات و اشتغال نیز مطرح شده که نتایج آن حاکی از آن است که: «ضریب باز بودن اقتصاد و افزایش در سهم صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی سبب افزایش در نابرابری در آمد شده و شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان را زیاد می‌کند... دلیل مثبت بودن ارتباط این دو متغیر این است که افزایش درجه باز بودن اقتصاد سبب کاهش دستمزد افراد غیر ماهر و افزایش درآمد افراد نیمه ماهر و ماهر می‌شود. به عبارت دیگر آزاد سازی تجاری سبب افزایش شکاف دستمزد بین افراد با سطوح مهارت شده و از آنجا که شاغلین غیر ماهر ۷۰ درصد از شاغلین کشور را تشکیل می‌دهند، لذا از این مساله متضرر خواهند شد.» (ابراهیمی، آل مراد ۱۳۸۹: ۱۲۳) و بیکاری و تبعات آن به عنوان آسیبی از ناحیه خصوصی سازی و اقتصاد آزاد خود را نشان خواهد داد.

در خصوص آسیب شناسی خصوصی سازی مطالعات بسیاری صورت گرفته است لکن پژوهش حاضر تلاش دارد با ریشه یابی فرایند خصوصی سازی در برنامه توسعه پنج ساله پنجم به بسترهای قانونی گرایش به خصوصی سازی لیبرالی اشاره و نحوه اجرای آنرا در جامعه ایرانی ارزیابی نماید.

۳- خصوصی سازی و اثرات آن

در این بخش ضمن تشریح خصوصی سازی به آثار و تبعات آن در حیطه‌های مستعد آسیب اشاره می‌گردد. لازم به ذکر است در این مقاله تمرکز بر تاثیرات خصوصی سازی بر فقر و شکاف طبقاتی مد نظر بوده و دیگر آثار مثبت و یا منفی خصوصی سازی مورد قضاوت قرار نمی‌گیرد.

۳-۱- بنیادهای فکری خصوصی سازی

اساساً در پژوهش پیرامون خصوصی سازی پرداختن به لیبرالیسم به عنوان یکی از بنیادها و بسترهای پدید آمدن سیاستگذاری‌های خصوصی سازی ضروری به نظر می‌رسد. شناخت لیبرالیسم و شاخصه‌های آن می‌تواند در قالب روش تحقیق تجربی صورت پذیرد و در این مسیر مفهوم سازی لیبرالیسم در قالب شاخصه‌های سنجش پذیر همچون خصوصی سازی می‌تواند در تأیید این فرضیه که آسیب‌هایی چون شکاف درآمدی و فقر از جمله اثرات مستقیم و یا غیر مستقیم گرایش به خصوصی سازی لیبرالی بوده، ما را یاری رساند. شیوه بررسی مفاهیم در این تحقیق اسنادی بوده و ضمن بررسی مفاهیم، مواد و بندهایی را که در برنامه توسعه پنجم به شاخصه خصوصی سازی گرایش دارد شناسایی می‌نماید.

تفکر لیبرالیستی اساساً در واکنش به محدودیت‌ها و نگرش‌های غیر عقل‌گرایانه اروپای مسیحی سده‌های میانه پدید آمده و حکایت از گسستن بندهایی دارد که آزادی فرد را محدود نموده. «جهان بینی لیبرالیستی اساساً انسان مدار و خرد گرا و بنابراین نهایتاً دارای ماهیتی این جهانی است.» (آربلاستر، ۱۳۷۴: ۱۴۷).

مسیر تکامل خصوصی سازی لیبرال با عبور از آموزه‌ها و تفکرات قرن ۱۷ اروپا بیش از پیش به پیگیری منافع شخصی چشم دوخت و «دارایی به شرط ضروری کسب حقوق و آزادی‌های سیاسی تبدیل شده و آزادی تجارت و صنعت و گسترش منطقی آزادی شخصی و حق مالکیت به حوزه مباحث سیاسی وارد گشت.» (همان: ۲۲۷).

لیبرالیسم گاه با توجیحات اقتصاد شناسی لیبرال کلاسیک خط مشی خشنی را در مقابل تهیدستان اتخاذ می‌کند. در این دیدگاه کار منشاء ثروت قلمداد می‌شود و اعتقاد بر این است اگر «دستمزد تهیدستان به چیزی بیش از معیشت صرف آن‌ها می‌رسید یکسره دست از کار می‌کشیدند» (همان: ۲۶۵) در این زمان حکومت خوب حکومت کم خرج قلمداد می‌شود. بین اقتصاد دان فرانسوی بر این استدلال

بود که دستگاه دولت باید در کوچک‌ترین مقیاس ممکن سهم شود، وی جامعه را دارای مکانیسمی خود گردان می‌دانست که مطلوب‌ترین کارکرد آن حداقل مداخله است. (همان: ۳۵۴).

همانگونه که در تفکرات پین نیز قابل مشاهده است نوعی انزجار و فویبا از هرگونه مداخله - کلیسا، دولت، مذهب، طبقات متنفذ و ...- در فرانسه قرن هیجدهم به چشم می‌خورد که تنها غایت آن را آزادی از هرگونه مداخله ولو اندک می‌یابد.

لیبرالیسم در حوزه اقتصاد سیاسی، همدوش با سرمایه داری غربی نشو و نما کرده لکن مارکسیست‌ها بر این باورند که «سرمایه حامل لیبرال دموکراسی است نه حامی آن. دولت و نظام سیاسی، سازمان‌های خود مختار و حاکمی نیستند که اراده عمومی در صورت تمایل بتواند از طریق آن‌ها سرمایه داری را تغییر دهد یا سرنگون سازد. آن‌ها تابعی از ماهیت و مقاصد اقتصادی سرمایه داری به شمار می‌روند.» (همان: ۱۲۷) و این امر حکایت از تأثیر پذیری شدید لیبرالیسم از نظام سرمایه داری است.

همچنین اقتصاد دانان و سیاستمدارانی چون هایک^۱، میلتون فریدمن^۲، کیت ژوزف^۳ و مارگارت تاچر^۴ معتقدند که لیبرال دموکراسی و آزادی فردی بدون سرمایه داری ناممکن است. به نظر ایشان آزادی نه تنها باید شامل آزادی اقتصادی، یعنی آزادی رقابت به منظور کسب سود باشد، بلکه سایر انواع آزادی نیز به وجود آزادی اقتصادی وابسته‌اند و وجود قدرت اقتصادی در دست اشخاص حافظ آزادی فردی است. (همان: ۱۲۸).

لیبرالیسم کلاسیک در حوزه اقتصاد بر سه فرض استوار است. «الف) انسان‌ها موجوداتی خودخواه‌اند.

ب) انسان خودخواه تنها به دنبال تأمین منافع خود است. ج) انسان طالب منافع، را باید برای ارضای خودخواهی‌هایش آزاد گذاشت، تا با حداقل نظارت یا محدودیت، مجال برای کوشش‌هایش بیابد. (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

1-Friedrich August von Hayek, 1992

2 -Milton Friedman, 2006

3 -Keith Joseph, 1970

4 -Margaret Hilda Thatcher, 1975

لیبرالیسم تنها راه به فعلیت در آمدن استعدادهای فردی را رها کردن و آزاد نهادن فرد در جامعه خود می‌داند که این نگاه ایده آل نگر در نهایت امر به سوء استفاده‌هایی از ناحیه برخی افرادی است که خود را محدود به هیچ حدی نمی‌دانند.

لیبرالیسم در ادامه مسیر تکامل و تداوم خود همچنان بر خصوصی‌سازی و اقتصاد آزاد اصرار می‌ورزد. به زعم بشیریه «اندیشه نئولیبرالیسم بازگشت به نظام بازار آزاد را ترویج می‌کند؛ زیرا علت اصلی بحران اقتصادی غرب را مداخله دولت در عرصه اقتصاد می‌داند. در مجموع می‌توان گفت که آموزه‌های نئولیبرالیسم در خصوصی‌سازی، کاهش هزینه‌های دولتی، تضعیف اتحادیه‌های کارگری، آزادی اقتصادی، کاهش مالیات، دولت کوچک، محدود یا حداقل خلاصه می‌شود. (بشیریه، ۱۳۹۲: ۱۱).

به هر صورت لیبرالیسم در بستر اقتصاد به اعمال شاخصه‌های ضروری خود پرداخته و در این مسیر توجه به خصوصی‌سازی را در دستور کار سیاستگذاری به روش لیبرالیستی قرار داده است. مطابق نظر همه اندیشمندان کلاسیک لیبرال، پیامد پایبندی به آزادی فردی تصدیق نهادهای مالکیت خصوصی و بازار آزاد است از این دید «این که کسی شخصاً مالک چیزی باشد حداقل به آن معناست که وی دارای اختیار به استعدادهای، توانایی‌ها و کار خود است.» (گری: ۱۲۴).

به زعم کنداکت اسمیت نئولیبرالیسم به طور مستقیم به آزادسازی و عقلانی‌سازی دولت، تجدیدساختار بخش‌های دولتی و از بین بردن دولت‌های رفاه منجر شد. در نتیجه این تغییرات ایالات متحد و انگلستان شاهد چیزهایی مانند حذف یارانه‌ها و تعرفه‌ها، شرکتی‌سازی و خصوصی‌سازی بخش‌های بازرگانی دولتی، تهاجم مستمر به اتحادیه‌ها، فردی‌سازی بهداشت و درمان، رفاه و آموزش بوده است. (Smith, 2012:102).

مسیر خصوصی‌سازی در اقتصاد سیاسی لیبرال به واسطه افکار اندیشمندانی چون هایک نیز سامان می‌یابد. به باور هایک تسری نظم سازمانی به یک جامعه ضرورتاً آنرا به نظامی تمامیت خواه هدایت می‌کند که در آن آزادی فردی مفقود می‌گردد. (هایک ۱۳۹۲: ۱۱۶) گرایش هایک در هدایت جامعه به سمت کاهش تصدی‌گری دولت در این جملات آشکار است و آرمانگرایی مَرَکانتیلیستی ویژه‌ای را که نظم بازار را ایده آل می‌داند (هایک، ۱۳۸۲: ۹۰)، تداعی می‌کند و به این ترتیب مبنایی علمی و فلسفی برای خصوصی‌سازی و کاهش مداخله دولت پدید می‌آورد.

۳-۲- ارزیابی اثرات منفی خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی به عنوان شاخصی لیبرال در معنای عام خود به مفهوم واگذاری مالکیت، تولید، کنترل کالا، خدمات، تاسیسات و غیره از بخش عمومی یا دولتی به بخش خصوصی است. «در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، موج دوباره خصوصی‌سازی در دنیای غرب رونق یافت. خصوصی‌سازی نوین که ریشه در باورهای لیبرالیسم داشت، در این دوران از دو تحول فکری و عملی همگون متأثر بود. تحول اول، متأثر از باورها و جریان‌ات گوناگون لیبرالیسم به طور عام و برنامه مدرنیسم لیبرالیستی به طور اخص بود. تحول دوم که مرکب از تحول فکری و عملی بود، به مدیریت دولتی نوین موسوم شد. (Kamat, 2004:2).

دیدگاه جدید، سرمایه داری نئولیبرال در آزاد سازی اقتصادی و خصوصی سازی با تضادهای ایدئولوژیک رو به رو شده و از این منظر، شکاف میان فقیر و غنی، نبود تحرک درونزای اقتصادی و فقدان طبقه کارآفرین ملی که باعث فقدان نظارت نهادی بر سیاست‌های اقتصادی می‌شود به موضوع امنیت ملی تبدیل و رابطه میان قدرت و نابرابری اجتماعی تعیین کننده می‌شود. (عباسی ۱۳۸۸:۵)، در واقع، تأکید اقتصاد سیاسی نئولیبرال بر آزادی تجارت و خصوصی‌سازی، منافع عمومی و طبقات پایین را در مقابل منافع خصوصی طبقات سرمایه دار قرار می‌دهد. (Walton, 2004:170).

سیاست خصوصی‌سازی آسیب‌هایی را به جوامع وارد آورد که دامنه آن از آسیب‌های امنیتی گرفته تا اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود و در مجموع طیف وسیعی از انتقادات به خصوصی‌سازی را موجب می‌شود. بر اساس این موارد، «این موضوع که کاهش دخالت دولت و خصوصی سازی و رهایی از قید و بندها، باعث ایجاد جهانی امن می‌شود، در پرده ای از ابهام قرار دارد.» (Raymond, 2008: 109).

در فرآیند خصوصی‌سازی، رشد و توسعه در مرتبه اول اولویت قرار می‌گیرد و توزیع عادلانه درآمد در زمره اهداف اولیه قرار نمی‌گیرد و با این توجیه که کارایی و بهره وری در بخش دولتی کمتر از بخش خصوصی است، دخالت دولت، به ویژه در بازارهای کار و سرمایه مانعی می‌شود که منابع به بهترین شکل در میان فعالیت‌های اقتصادی توزیع شود. (ibid: 110).

گرایش به فرایند خصوصی سازی در حوزه اقتصاد رقابت آزاد را تشویق می‌نماید و در این مسیر اقبال ضعیف (به لحاظ درآمدی) امکان پیشرفت و کسب موقعیت کمتری را نسبت به اقبال پر درآمد خواهند داشت «بر اساس مطالعه صورت گرفته توسط حیدری و صالحیان، نابرابری درآمدی به دلیل

اثرات فرسایشی و مخرب بر زندگی اجتماعی، نابرابری اجتماعی را ایجاد می‌کند.» (حیدری و صالحیان، ۱۳۹۰: ۱۴).

همچنین افزایش قیمت کالا و خدمات بعد از خصوصی سازی ممکن است موجب قطع حمایت‌های دولتی شده و آثار سوئی همچون نامتناسب تر شدن توزیع درآمدها و ثروت‌ها، نامتوازن تر شدن تراز پرداخت‌ها و بطور خلاصه بروز برخی نابرابری‌ها در جامعه گردد.

۳-۳ - پیامدهای منفی خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه

خصوصی سازی فرآیندی است که کشورهای در حال توسعه را بیش از دیگر کشورها درگیر خود نموده و تحقیقات نشان داده است که «در آفریقا، امریکای لاتین و آسیا بسیاری از مردم در پی خصوصی سازی در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. (دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

همچنین خصوصی سازی وضعیت نابرابری اجتماعی را در کشورهای در حال توسعه بدتر کرده است زیرا وقتی بنگاه‌های سودده خصوصی می‌شوند، درآمدها از خزانه داری عمومی که متعلق به همه شهروندان مؤدی مالیات است، به محدود سرمایه‌گذاران مرفه منتقل می‌شوند و در نتیجه اثر توزیعی معکوسی ایجاد می‌کند. به عنوان مثال نابرابری اقتصادی در کشورهای برزیل، شیلی، مکزیک، مالزی، کره جنوبی، هند، فیلیپین، تایلند، نیکاراگوئه، هندوراس، پرو و پاناما شدیدتر شده است. (Shamsul, 2001:61).

یکی دیگر از آثار اجتماعی خصوصی سازی مخدوش شدن حق دسترسی شهروندان به خدمات اجتماعی اولیه نظیر بهداشت، آموزش، حمل و نقل و مسکن است. زیرا منابع تخصیصی به این خدمات به سمت بخشودگی مالیاتی و یارانه‌های بخش بازرگانی تغییر جهت می‌دهند. همه کشورهای تحت فشارهای سازمان‌های بین‌المللی، هزینه‌های رفاه اجتماعی و یارانه‌های مواد غذایی را کاهش داده‌اند که در پی آن استانداردهای سطح زندگی مردم در بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی، امریکای لاتین و آفریقا کاهش یافته است. کشورها با بی‌ثباتی و شورش سیاسی مواجه می‌شوند که ناشی از افزایش بیکاری و فقر، کاهش استانداردهای زندگی و قدرت طبقه کارگری است. در بسیاری از کشورها با اصلاحات بازار محور تحت برنامه‌های تعدیل ساختاری و با ثبات سازی منجر به برداشتن یارانه‌ها مواد غذایی، کاهش خدمات عمومی و باز توزیع درآمد میان فقرا شده که پیامدهای منفی متعددی داشته است. (Frazmand, 2001: 2).

خصوصی‌سازیدر کنار تمام مزایای خود می‌تواند حجم عظیمی از افراد را از کار اخراج نماید و یا آن‌ها را مجبور به پذیرش شغل‌های پایین و بیمه کمتر نماید. قیمت کالاها و خدمات را به سرعت افزایش دهد، فرصت رشوه خواری را افزایش دهد و عموم ثروتمندان را ثروتمند تر و فقرا را فقیر تر کند. در این مطالعه همچنین آمده در هفده کشور آمریکای لاتین طی سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ افزایش قابل ملاحظه مخالفت مردم با ایده خصوصی‌سازی و بروز تنش‌های ناشی از نابرابری در این کشورها به چشم می‌خورد (بیردزال، نلیس، ۱۳۸۹: ۵۸).

بر این اساس در پژوهش حاضر توجه به فقر و شکاف درآمدی به عنوان اثرات مستقیم و غیر مستقیم فرایند خصوصی‌سازی شناسایی شده و به عنوان مصادیق آسیب‌هایی از سنخ آسیب‌های سیاستگذاری‌های لیبرالی معرفی و قلمداد می‌شود.

۳-۴- تاریخچه خصوصی‌سازی در ایران

تفکر خصوصی‌سازی در کشور ما از پیش از انقلاب اسلامی به طور پراکنده به چشم می‌خورد، لکن تاریخچه تشکیل سازمان خصوصی‌سازی بطور رسمی به دوران پس از جنگ تحمیلی باز می‌گردد. در این دوران، دولت اقدام به تدوین و تصویب برنامه‌های بازسازی اقتصادی، اجتماعی در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه جهت بهبود عملکرد شرکت‌های دولتی و حضور فعال‌تر بخش خصوصی در اقتصاد ملی نمود و بستر لازم جهت خصوصی‌سازی را فراهم کرد. در ادامه این مسیر طی قانون برنامه سوم توسعه نیز برنامه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را تحت عنوان ساماندهی شرکت‌های دولتی و واگذاری سهام آن‌ها دنبال نمود. در طول اجرای برنامه سوم توسعه، سازمان خصوصی‌سازی به موجب ماده (۱۵) این برنامه و با تغییر اساسنامه سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تشکیل گردید (رحیق اعضان، ۱۳۸۴: ۲۰۳) و پایه‌های خصوصی‌سازی در کشور نهادینه شد.

اساسنامه اولیه سازمان خصوصی‌سازی در تاریخ ۱۳۸۰ تصویب و ابلاغ گردید. در سال ۱۳۸۸، سازمان خصوصی‌سازی موظف گردید اهدافی از جمله «ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی»، «افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی» و «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی»، (سایت سازمان خصوص سازی) را به انجام رساند. و بدین ترتیب بحث خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران به مرحله اجرایی رسید.

۳-۵- آسیب شناسی خصوصی‌سازی

لازم است پیش از ورود به بحث آسیب شناسی سیاستگذاری‌های لیبرالیستی و خصوصی سازی در برنامه پنجم توسعه ابتدا به برخی از آسیب‌های متأثر از خصوصی سازی اشاره گردد و سپس این آسیب‌ها در مورد مطالعاتی ایران بررسی شود. در این خصوص لازم به ذکر است خصوصی سازی صرفاً در مراحل اجرای ناقص و یا ناقص به بروز آسیب در جوامع منتهی شده و بسیاری از جوامع رشد و توسعه خود را مدیون بکار بست صحیح و اصولی خصوصی سازی می‌باشند.

در حوزه خصوصی سازی واگذاری در دوره‌های گذشته، اگرچه مسیر رو به جلویی را طی کرده، ولی نه تنها منجر به ایجاد بخش خصوصی و کارآفرین قوی نشد، بلکه سرمایه داری تجاری، فساد، اقتصاد دولتی و فاصله طبقاتی را افزایش داده است. (شکوه ۱۳۹۲: ۱۱۸) علاوه بر این خصوصی سازی بسته به این که با چه شیوه‌ای انجام می‌گیرد بر توزیع درآمد در اقتصاد تأثیرات متفاوتی دارد. ادعا بر این است که اگر خصوصی سازی از طریق ارائه سهام در بازار سهام انجام بگیرد، جلب و تشویق تعداد بیشتری از جمعیت برای مشارکت در فرآیند خرید سهام را موجب می‌شود تا توزیع درآمد متعادل‌تر بشود. در همین راستا خصوصی سازی‌های بلوکی با تمرکز ثروت در دست یک اقلیت موجب بیشتر شدن نابرابری در توزیع درآمد خواهد شد. (نوکنده: ۱۳۹۲: ۱۳).

در کشور ما طرح تحول بزرگ اقتصادی، خصوصی سازی و پرداخت یارانه‌ها به شکل نقدی نیز بر اساس تحقیقات صورت گرفته نتوانسته کمکی به کاهش نابرابری و توزیع نابرابر درآمد کند چنانچه در این فرایند «خصوصی سازی به شیوه ناقص، توزیع بدون برنامه سهام عدالت و... هیچ نتیجه‌ای در رفع نابرابری و توزیع درآمد نداشته و در واقع به دلیل اختصاصی سازی بجای خصوصی سازی. خیلی از منابع عمومی به مدیران و کارگزاران درون حاکمیت واگذار شده که این، خود یکی از دلایل افزایش شکاف درآمدی بوده است. (قیصری. ۱۳۸۱: ۱۰۵).

به همین منظور در این قسمت شکاف درآمدی به عنوان یکی از آسیب‌های پذیرفته شده ناشی از فرآیند خصوصی سازی مورد بررسی قرار می‌گیرد. شکاف درآمدی به قشر بندی و طبقه بندی بر اساس منزلت و ثروت می‌انجامد و این بدان معنی است که «افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند بر اساس معیارهایی همچون ثروت (درآمد و مالکیت)، تحصیلات و تخصص و مشاغل، مورد ارزیابی واقع می‌گردند و در طبقه و قشرهای مختلف جامعه از بالا به پایین قرار می‌گیرند و بدین ترتیب نابرابری اجتماعی شکل می‌گیرد.» (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۴۲).

در این رابطه «توصیف درجه نابرابری موجود بین افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد می‌گویند؛ بنا بر این بررسی توزیع درآمد و نابرابری آن، مقایسه سهم گروه‌های مختلف جمعیت، در درآمد ملی است.» (جعفری صمیمی ۱۳۷۸: ۱۴۲) لازم به ذکر است به منظور سنجش شاخص فاصله درآمدی از ضریب جینی به عنوان شاهد مثال استفاده خواهد شد. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک که در آن صفر به معنای توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک معنای نابرابری مطلق در توزیع است. (ابولفتحی قمی، ۱۳۷۱: ۳۵).

در پژوهش حاضر ضریب جینی به عنوان ملاکی کمی برای تأیید ارتباط مؤثر نابرابری و خصوصی‌سازی به عنوان یکی از شاخصه‌های اقتصاد لیبرالی - مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. بدین ترتیب توالی افزایش و یا کاهش ضریب جینی پیرو برقراری مناسبات اقتصادی مبتنی بر گرایش‌های لیبرالیستی - خصوصی‌سازی - نشان دهنده اثر گذاری این سیاست‌ها بر افزایش و یا کاهش شکاف درآمدی جامعه خواهد بود. متأسفانه بر اساس آمار رسمی، به طور معمول، ضریب جینی در ایران در حدود ۰/۳۵-۰/۵۵ بوده که این نشان می‌دهد که توزیع درآمد در ایران همیشه ناعادلانه بوده است. (قاضی، هوشمند، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

بر پایه این مفهوم و با توجه به اهمیت این موضوع نزد پژوهشگران عرصه‌های مختلف علمی به ویژه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که نتایج این بررسی‌ها به عنوان شاهد مثال در تحلیل ثانوی مورد بحث قرار می‌گیرد.

فقر ناشی از توزیع نابرابر درآمدها نیز از جمله اثراتی است که می‌تواند بطور غیر مستقیم از ناحیه ضعف و نا کار آمدی سیستم توزیعی دولت در جریان فرایند کوچک سازی و خصوصی سازی بروز کند. فقر حاصل نابرابری شدید اجتماعی است. در دیدگاه سنتی فقر عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود. بانک جهانی در گزارش خود محرومیت از آموزش و بهداشت و آسیب پذیری و در معرض خطر بودن، بی پناهی و بی نوایی را نیز از جمله مصادیق فقر می‌داند. (مروج خراسانی، ۱۳۸۵: ۷).

مفهوم فقر نیز همیشه با نحوه توزیع درآمد ملی و یا درآمد سرانه همراه می‌باشد و در مطالعات اقتصادی شناسایی افراد فقیر معمولاً در قالب تعیین خط فقر صورت می‌گیرد. آسیبی که از ناحیه فقر متأثر از خصوصی سازی در جامعه بروز می‌کند مستقیماً متوجه امنیت اقتصادی افراد و گروه‌ها در جامعه است. »

در سطح فردی امنیت اقتصادی به ضروریات زیستی (غذا، آب، مسکن و آموزش) مربوط است. در (Harbor, 2016: 19) سطوح بالاتر با دامنه وسیعی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط است. «بروز ناامنی از طریق فقر گاهی از ذهن به عین است و گاهی بالعکس. در موارد خاص ابتدا امنیت روانی افراد جامعه دچار خدشه می شود و سپس نمود آن در جامعه به صورت آشوب قتل، دزدی و... خود را نشان می دهد.» (صادقی و همکاران ۱۳۸۹: ۷۵) دیگر اینکه، فقر باعث شکاف بین زندگی شرافتمندانه و کار شرافتمندانه می گردد و همین امر موجب اختلاف روانی گسترده و ناهنجاری های بسیار عمیق می شود که توجه به آن بسیار ضروری است.

در ایران در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به علت فقدان برنامه های جامع رشد و توسعه اقتصادی نقش های سیاسی، اجتماعی، جنگ تحمیلی و نوسانات شدید درآمدهای ارزی، اقدامات ریشه ای جهت اصلاح نظام اقتصادی و رفع عدم تعادل های آن صورت نگرفت و لذا به علت حفظ و تداوم ساختار وابسته و تک محصولی و عدم تعادل های حاکم بر اقتصاد کشور، سیاست های پولی و مالی انبساطی، افزایش هزینه های تولید، تورم وارداتی، جنگ تحمیلی، نارسایی های سیستم توزیع، عوامل روانی و... فقر و شکاف درآمدی شدید در جامعه ظاهر گشت که هنوز هم ادامه دارد.

۳-۶- خصوصی سازی در برنامه پنجم توسعه

برنامه پنجم توسعه براساس اهداف آرمانی ذکر شده درس اند چشم انداز و با توجه به توانایی ها و ظرفیت های جمهوری اسلامی ایران و محورهای مورد تأکید ریاست جمهور ترسیم شد و بر این اساس مأموریت اصلی آن پیشرفت عدالت محور نام گرفت. قانون فوق مشتمل بر ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی تصویب و سپس از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

توجه ویژه به اجرای کامل سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و کاهش مؤثر مسؤولیت های دولت در امور تصدی گری با هدف کوچک سازی واقعی دولت (منصوری ۱۳۹۳: ۷۴). از جمله اهداف اصلی این برنامه تلقی می شود که ناظر بر دو خصیصه لیبرالی، خصوصی سازی و کوچک سازی دولت است. بدین منظور در این بخش ضمن بررسی مواردی که صراحتاً و یا تلویحاً گرایش به رویکردهای لیبرالی در آن مشهود است به شناخت و معرفی آن ها اقدام کرده و آسیب هایی را نیز که از ناحیه این مواد در جامعه بروز می کند مورد نقد قرار خواهیم داد.

برنامه پنجم توسعه مبحث حمایت از خصوصی‌سازی را به طور تلویحی در بسیاری از مواد و بندها و تبصره‌های خود گنجانده و موضوع را عمدتاً بواسطه حمایت و معافیت‌ها در جهت ترویج بخش خصوصی دنبال می‌کند. بند «ج» ماده ۱۱ ذیل موضوع سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی این سازمان را موظف نموده تا «از ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ سنتی عشایری و روستایی توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی و تعاونی با رعایت موازین اسلامی به منظور توسعه گردشگری آن مناطق حمایت مالی نماید.» این امر اگرچه می‌تواند موجبات رشد و گسترش فرهنگ سنتی را فراهم آورد، از سویی نگاه مادی و منفعت‌گرای بخش خصوصی را به حوزه فرهنگی وارد می‌نماید و از اصالت آن می‌کاهد. در بند «و» ماده ۲۱ از توسعه مراکز آموزشی دوره‌های کاردانی در بخش خصوصی و تعاونی نام می‌برد که هدف آن رفع نیاز نیروی انسانی مورد نیاز در سطح کاردانی است. بدیهی است در صورت برابر نبودن فرصت آموزشی میان حوزه خصوصی و دولتی می‌تواند نابرابری آموزشی را دامن زند و در صورت فقدان مراکز دولتی و رایگان صدور دانشنامه مهارت، اقشار کم‌درآمد از دستیابی به فنون و مهارت محروم گرداند.

این روند در ماده ۳۴ خصوصی‌سازی را به حوزه سلامت اجتماعی کشانده که طی آن «به منظور ایجاد و حفظ یکپارچگی در تأمین، توسعه و تخصیص عادلانه منابع عمومی سلامت دولت از بخشهای خصوصی و تعاونی برای ایجاد شهرک‌های دانش سلامت، حمایت به عمل آورد...» این امر نیز اگرچه می‌تواند بالقوه وضعیت سلامت جامعه را بهبود بخشد احتمال بروز نابرابری را نیز متعاقباً بالا می‌برد.

حوزه دیگری که برنامه پنجم خصوصی‌سازی را بدان وارد می‌سازد، حوزه فناوری اطلاعات است. بر اساس ماده ۴۶ بند الف آمده است: «وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است نسبت به ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات و مراکز داده داخلی امن و پایدار با پهنای باند مناسب با رعایت موازین شرعی و امنیتی کشور اقدام و با استفاده از توان و ظرفیت بخشهای عمومی غیردولتی، خصوصی و تعاونی، امکان دسترس شهروندان را به اینترنت پر سرعت فراهم آورد.» این ماده ظاهراً و در بطن خود هدفی جز توسعه شبکه ملی اطلاعات را در نظر ندارد، لکن آنگونه که اکنون در جامعه ملاحظه می‌شود توسعه فناوری‌های دیجیتال ارتباطی منافع بسیاری را رهسپار بخش‌های خصوصی سرمایه‌گذار در این وادی نموده و از سویی فرهنگ جامعه و ارزش‌ها و موازین شرعی و حتی امنیتی کشور را دستخوش آسیب ساخته است. این موارد ذیل تبصره ۲ بند «ی» این ماده نیز قابل رویت است.

برنامه پنجم با ابتکاری در ماده ۷۵ تبادل نظر دولت و بخش های خصوصی و تعاونی را ساماندهی کرده و تشکیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی را پیشنهاد کرده است که هدف آن بررسی و پردازش خواسته های طرفین و تهیه راهکارهای قانونی لازم برای تسهیل فعالیت بخش خصوصی است. در جای دیگر برنامه توسعه ذیل موضوع صندوق توسعه ملی ماده ۸۴ مواردی مطرح می شود که عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی را ساماندهی می کند. بر اساس این ماده صندوق مجاز است تسهیلاتی را از این عواید در صورت داشتن شرایط مشخص به بخش خصوصی واگذار نماید که این موارد در تبصره های متعدد تصریح شده است. گویا برنامه توسعه در صدد است ضمن حمایت از بخش خصوصی میزانی از امور اقتصادی که دولت متولی آن است را کاسته و توان بخش خصوصی را بواسطه حمایت تسهیلاتی افزایش دهد.

مواد ۱۲۷ و ۱۲۸ برنامه با ورود به بخش خصوصی به حوزه پالایش، تجهیز پالایشگاه ها و تکمیل پروژه های نا تمام در این حوزه اجازه لازم را به وزارت نفت داده و فرآیند خصوصی سازی را در چارچوب بهینه سازی و بنزین سازی مجاز شمرده است. ورود بخش خصوصی در حوزه استراتژیکی همچون نفت و گاز علاوه بر تأمین بخشی از نیازهای کشور احتمال بروز مشکلاتی در خصوص قیمت گذاری محصولات به همراه دارد و این روند نیازمند تصریح در مواد برنامه توسعه جهت کنترل حیطه وظایف و اختیارات بخش خصوصی است که فقدان آن نقصانی بزرگ به شمار می رود.

روند تشویق بخش خصوصی در صنایع برق نیز و در ماده ۱۳۳ در قالب تبصره هایی بیان شده و به واسطه هزینه بری ساخت و ایجاد نیروگاه، دولت تلاش هایی را در جهت حمایت از بخش خصوصی جهت ورود به این حوزه انجام داده است.

ماده ۱۵۱ در بند «الف» خود حمایت از بخش خصوصی در حوزه صنایع نوین را بواسطه بخشودگی های تسهیلات اعطایی بیان می کند و می آورد: «به منظور حمایت از سرمایه گذاری خطرپذیر در صنایع نوین به دولت اجازه داده می شود بخشی از سرجمع کل تسهیلات اعطائی سالانه به بخشهای خصوصی و تعاونی که در قالب اعتبارات وجوه اداره شده برای صنایع نوین در بودجه های سالانه منظور می شود شامل سود و کارمزد تسهیلات اعطائی را مورد بخشودگی قرار دهد.» و بدین ترتیب امکان گسترش بیش از پیش بخش خصوصی را در صنایع پدید می آورد.

حمایت در بخش حمل و نقل نیز در بند «ز» ماده ۱۳۶ نیز دنبال می‌شود و «از ایجاد پارک‌های پشتیبانی، احداث پایانه‌ها، شهرک‌های حمل و نقل ترکیبی مسافری و باری و گسترش بنادر خشک توسط بخش خصوصی و تعاونی» حمایت می‌شود که حرکت به سمت خصوصی‌سازی در حوزه حمل و نقل را نیز شتاب می‌بخشد.

حرکت حمایتی از بخش خصوصی در حوزه حمل و نقل ادامه می‌یابد و بر اساس ماده ۱۶۴: «به دولت اجازه داده می‌شود به منظور ایجاد رویکرد توسعه‌ای در شبکه حمل و نقل ریلی و افزایش سهم بار و مسافر توسط بخشهای خصوصی و تعاونی و با هدف تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری در حمل و نقل نسبت به اصلاح ساختار و تغییر اساسنامه راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و واگذاری بخشهای غیرحاکمیتی آن به بخشهای خصوصی و تعاونی و ایجاد ظرفیت‌های جدید توسط بخشهای خصوصی و تعاونی اقدام قانونی معمول و زمینه استفاده از منابع داخلی و خارجی را برای رشد و توسعه فعالیت‌های ریلی فراهم نماید.» در این ماده نیز تصریح جهت کم و کیف خدمات ارائه شده و بعد نظارتی به چشم نمی‌خورد و امکان عرضه خدمات به روش پلکانی و بروز نابرابری در برخورد با مسافران را محتمل می‌سازد. به هر روی وجود یک چنین مواد و تبصره‌های قانونی می‌تواند تمایل به سمت خصوصی‌سازی در کشور را نشان دهد. حال باید دید با عنایت به گرایش برنامه پنجم به خصوصی‌سازی آیا عوارض ناشی از آن نیز در کشور ما به چشم می‌خورد. در بخش بعدی آسیب‌هایی که از ناحیه بکاربست سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور بروز یافته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۷- بررسی شکاف درآمدی و ضریب جینی در سالهای اجرای برنامه پنجم

در گزارش مرکز آمار ایران به وضعیت ضریب جینی کل کشور (ضریب یک نمایانگر توزیع درآمد و اختلاف طبقاتی درآمدی است) در سال‌های ۹۲-۱۳۸۸ اشاره شده که بر اساس نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار سال ۱۳۹۲، در مناطق روستایی بالاترین ضریب جینی در استان یزد (۰,۳۵۰۰) و پایین‌ترین ضریب جینی در استان البرز (۰,۲۱۶۱) مشاهده می‌شود. به طور خلاصه نتایج بررسی شکاف درآمدی طی دو ساله پایانی برنامه پنجم به شرح زیر است:

در مناطق شهری در ۱۰ استان ضریب جینی در سال ۱۳۹۲ نسبت به ضریب جینی در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. بیشترین کاهش ضریب جینی در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۰ در مناطق شهری استان خراسان جنوبی و کمترین کاهش در مناطق شهری استان مازندران مشاهده می‌شود.

همچنین در مناطق روستایی نیز در ۱۰ استان، ضریب جینی در سال ۱۳۹۲ نسبت به ضریب جینی در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است که ۵ استان آن متفاوت از بند اول هستند. بیشترین کاهش ضریب جینی در مناطق روستایی استان‌ها در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۰ در استان بوشهر و کمترین کاهش در استان مازندران مشاهده می‌شود. (گزارش سالانه مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲).

با توجه به شدت گرفتن فرایند اجرای خصوصی سازی در سالهای ابتدایی دهه ۹۰ نوسان ضریب جینی گرچه در برهه‌هایی از زمان امیدوار کننده است لکن همچنان رقمی نسبتاً بالا را نشان می‌دهد که حکایت از نابسامانی اوضاع اقتصادی و نیاز به بازنگری در سیاست‌های توزیعی در کشور دارد در این مقطع خصوصی سازی با افزایش نسبی ضریب جینی قرین شده و آسیب نابرابری در جامعه را تشدید کرده است.

بررسی توزیع امکانات در حیطه جغرافیایی نیز حائز اهمیت است و از آنجا که توسعه جریانی چند بعدی است لذا مستلزم تغییرات اساسی در کاهش بیکاری، ریشه کنی فقر مطلق، کاهش نابرابری، تسریع رشد اقتصادی، ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی استو توزیع عادلانه منابع و امکانات، کاهش بیکاری، رفع کامل فقر مطلق، بهبود ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و توازن منطقه ای می‌باشد. در میان ویژگی‌ها و مشخصات وضعیت مطلوب جامعه، توازن منطقه ای از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. توسعه و توازن منطقه ای و در معنای ساده تر توسعه و توازن استانی می‌تواند به عنوان عاملی بسیار کلیدی، موانع و مشکلات توسعه یافتگی منطقه را از بین برده و یا تا اندازه زیادی آن‌ها را کاهش دهد.

برنامه پنجم توسعه نیز بر توسعه منطقه ای، آمایش سرزمین، نظام هزینه-درآمد استانی و توسعه متوازن تاکید کرده است. بر این اساس در برنامه پنجم توسعه کشور با اختصاص فصل ششم آن به موضوع توسعه منطقه ای، توجه و تمرکز ویژه ای بر این امر شده است.

بررسی و مقایسه شاخص‌های اقتصادی مربوط به تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور که در گزارشی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ارائه شده نشانگر آن است که:

در تمامی سال‌های بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ که شامل سالهای اجرای برنامه پنجم نیز می‌شود، استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان و خراسان رضوی بیشترین و استان‌های خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد، ایلام و خراسان شمالی کمترین سهم را از مجموع تولید ناخالص داخلی کشور در اختیار داشته‌اند.

مقایسه درآمد ناخالص خانوارهای استان‌های کشور حاکی از آن است که در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۹ استان‌های تهران، خوزستان، بوشهر، اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد بیشترین درآمد ناخالص خانوار و استان‌های خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان و لرستان کمترین درآمد ناخالص خانوار را داشته‌اند. استان خراسان شمالی در این خصوص وضعیت منحصر به فردی دارد. در تمامی سال‌های بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۹ خانوارهای خراسان شمالی کمترین درآمد ناخالص خانوار را در بین استان‌های کشور دارا بوده‌اند.

مقایسه منابع و مصارف بانک‌های استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۰ نشان می‌دهد که استان‌های تهران، اصفهان و فارس بیشترین منابع بانکی و استان‌های خراسان شمالی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد کمترین منابع بانکی را در اختیار داشته‌اند. هم‌چنین استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی و مازندران بیشترین مصارف بانکی و استان‌های خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان جنوبی کمترین مصارف بانکی را دارا بوده‌اند. (گزارش صورت وضعیت مصارف و مخارج، آذر ۱۳۹۴، بانک مرکزی).

با توجه به وضعیت اجمالی تبیین شده در خصوص روند زمانی جایگاه استان‌های محروم از حیث شاخص‌های اقتصادی، به وضوح این نتیجه حاصل می‌شود که با وجود مجموعه تلاش‌های صورت گرفته، این استان‌ها از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده و شاخص‌های اقتصادی از استمرار محرومیت این استان‌ها و تداوم این محرومیت در بازه زمانی مورد بررسی و نیز عدم کاهش شکاف توسعه‌ای میان این استان‌ها با استان‌های دیگر کشور حکایت می‌کند.

۳-۸- فقر در سالهای اجرای برنامه پنجم توسعه

برآورد مساله‌ای با اهمیت فقر، توزیع درآمد و مسائلی از این دست با استفاده از روش تحلیل ثانویه نیازمند بکارگیری مقالات و نتایج پژوهش‌های علمی دقیق است. پژوهش حاضر تنها به داده‌های خام اتکا نکرده و از نتایج پژوهش‌های انجام شده بهره برده است. بر اساس مطالعات محسن جلالی که خود از کارشناسان ارشد بانک مرکزی است، شاخص‌های فقر نسبت به افزایش سطح قیمت‌ها بویژه اقلام ضروری در گروه‌های مواد خوراکی و مسکن دارای حساسیت بالاتری بوده و تکانه‌های قیمت در این گروه‌ها تأثیر مخرب بیشتری بر وضعیت افراد فقیر جامعه دارد. به علاوه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بر شاخص فقر تأثیرگذار بوده و موجب فشار بر اقشار فقیرتر جامعه می‌شود. تحلیل نتایج به دست آمده

حاکمی از آن است که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها طی این دوره، افراد فقیرتر جامعه را با شدت بیشتری تحت تأثیر قرار داده است. (جلالی ۱۳۹۴:۶۶-۶۸) این مطلب می‌تواند رابطه معنی داری بین افزایش فقر و افزایش تورم که خود از اثرات مستقیم خصوصی سازی است برقرار نماید و از آنجا که افزایش سطح قیمت‌ها در حیطه مواد خوراکی نیز مشاهده شده لذا بروز اثرات مخرب در سلامت جامعه نیز انتظار می‌رود که خود آسیبی جدی محسوب می‌شود.

پژوهشکده مرکز آمار نیز اخیراً در گزارشی با بررسی موضوعی با عنوان برآورد خط فقر و شاخص‌های نابرابری در ایران، خط فقر را طی سال‌های ۸۳ تا ۹۲ مورد بررسی قرار داده است.

بر اساس خط فقر برآوردی در این مطالعه درصد افراد فقیر در جامعه شهری از ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۳ به حدود ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. همچنین روند کلی شدت فقر در دوره ۱۰ساله مورد بررسی بر اساس شاخص شدت فقر روندی صعودی داشته است. (حیدری، ۱۳۹۴: ۵) در همین راستا رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در گفتگویی افزایش میزان افراد زیر خط فقر مطلق در کشور را تأیید کرده و معتقد است ۳۳ درصد از جمعیت کشور دچار فقر مطلق هستند. (روزنامه همدلی، ۱۳۹۴: ۹).

ابراهیم پیرایی و همکاران نیز با عنایت به تعداد افراد خانوار این پدیده را بررسی نموده است. به زعم ایشان «طی این سال‌ها، به علت افزایش قیمت‌ها، سطح حداقل استاندارد زندگی روندی کاملاً صعودی داشته است که این امر با توجه به میزان خطوط فقر محاسبه شده خانوارهای شهری و مقیاس اقتصاد قابل تأمل است.» (نگهداری، ۱۳۹۳: ۲۸) ذکر این مطلب که افزایش قیمت‌ها گاه در اثر خصوصی سازی شکل می‌گیرد و می‌تواند فشارهای بیشتری را به دهک‌های پایین درآمدی در کشور وارد نماید نیز می‌تواند دلیلی باشد بر توجه بیش از پیش به ارزیابی خصوصی سازی در حوزه اقتصادی و معیشتی جامعه. به هر صورت در مقایسه با وجود تعداد کثیری از مواد و بندهای مختلف در خصوص وضعیت اقتصادی در برنامه پنجم متأسفانه کاهش چشمگیری در وضعیت فقر مشاهده نمی‌شود و نوسان‌های آزار دهنده شدت فقر و فقر نسبی - که ملاک‌های دقیق تری نسبت به شاخص خط فقر مطلق به شمار می‌روند - همچنان نگران کننده است.

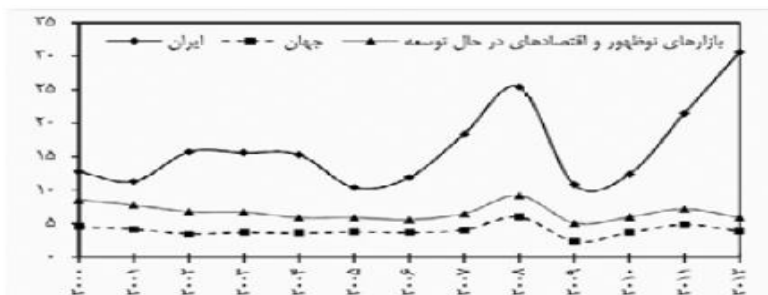
۳-۹- بررسی‌های کمی وضعیت فقر و شکاف درآمدی در ایران

همانگونه که پیش از این نیز ذکر آن رفت مطالعات متعددی به منظور برآورد خط فقر در ایران صورت گرفته است که خط‌های متفاوتی را گزارش داده‌اند، اما بر اساس مطالعه راغفر و همکاران که در سال ۱۳۹۲ منتشر شده، ۶۳ درصد مردم شهرنشین کشور دچار محرومیت نسبی برآورد شده‌اند. این بررسی‌ها از بعد بین‌المللی نیز در گزارشی که مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۳ منتشر نموده، وضعیت فقر در ۸۲ کشور در حال توسعه جهان را اعلام کرده که فقر در ایران کمتر از ۵۷ کشور دیگر است.

بر اساس محاسبات این نهاد بین‌المللی که بر پایه آمار سال ۲۰۱۲ تهیه شده است ۸ درصد مردم ایران با درآمد کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می‌کنند و ایران از نظر نرخ فقر در رتبه ۵۸ بین ۸۲ کشور در حال توسعه قرار گرفته است. برخی کشورها که فقر بیشتری نسبت به ایران دارند عبارتند از برزیل با ۱۰٫۸ درصد، الجزایر با ۲۳٫۶ درصد، هند با ۶۸٫۷ درصد، پاکستان با ۶۰٫۲ درصد، زامبیا با ۶۸٫۶ درصد، چین با ۲۷٫۲ درصد، غنا با ۵۱٫۸ درصد، اندونزی با ۴۳٫۳ درصد، و تاجیکستان با ۲۷٫۷ درصد. از جمله کشورهایی که فقر کمتری نسبت به ایران دارند نیز می‌توان به آرژانتین با ۲ درصد، روسیه با ۲ درصد، ترکیه با ۴٫۷ درصد، و تایلند با ۴٫۱ درصد اشاره کرد. (دنیای اقتصاد، رقابت پذیری ایران در ۱۴ شاخص، چهارشنبه ۳ آبان ۱۳۹۶ به نقل از مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۳).

تورم نیز یکی از شاخص‌هایی است که ارتباط مستقیمی در کاهش کیفیت زندگی افراد دارد این شاخص در صورت افزایش می‌تواند وضعیت دهک‌های درآمدی پایین جامعه را بدتر نماید. بر اساس گزارش راهبردی اندیشکده سرآمد در ایران تورم محقق شده در بهترین وضعیت شش واحد درصد و در بدترین وضعیت یعنی بیست و پنج واحد درصد در سال ۲۰۱۲ از میانگین تورم جهانی بیشتر بوده است. در این شرایط تورم باعث می‌شود افرادی که در آمد آنها با تورم افزایش نمی‌یابد، مانند کارگران، کارمندان و مستمری بگیران متضرر شوند، بنابر این در جوامعی که نرخ تورم بالاست کاهش قدرت خرید و کاهش رفاه برخی از اقشار جامعه اتفاق می‌افتد. (مهدیار اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۳۱).

نمودار ۱- تورم ایران، جهان و بازارهای نوظهور (درصد)



منبع: چشم انداز اقتصاد جهانی (ژوئن ۲۰۱۳) صندوق بین المللی پول

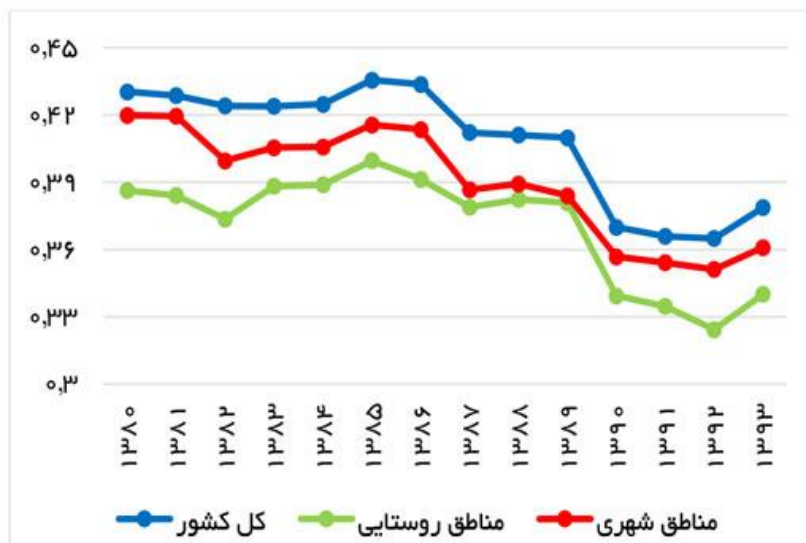
ضریب جینی نیز که توزیع ثروت در میان مردم و مقوله نابرابری و شکاف درآمدی خانوارها در مقایسه با یکدیگر را نشان می‌دهد در کشور ما همچنان نیاز به بهبود دارد چنانچه بر اساس گزارش سازمان ملل متحد ایران با ضریب جینی معادل ۳۹/۰، هفتاد و دومین کشور جهان و سومین کشور منطقه محسوب می‌شود. بر اساس آمار سال ۲۰۱۴، سه کشور اوکراین، اسلونی و نروژ با ضریب جینی کمتر از ۲۶/۰ شکاف درآمدی کمتری را در میان کشورهای دنیا دارند. بررسی تغییرات ضریب جینی در ایران بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ مطابق آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز موید این موضوع است.

رتبه ایران از نظر ضریب جینی در سال ۲۰۱۳ و همچنین سال ۲۰۱۴ با نمره ۳۸۰۳ درصد، میان ۱۳۶ کشور جهان ۶۸ بوده است و بالاتر از کشورهای نظیر آمریکا، قطر، روسیه و ترکیه قرار دارد. متوسط ضریب جینی ایران بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ نیز همین مقدار بوده است. البته باید توجه داشت که بر اساس نتایج طرح آمارگیری مرکز آمار ایران از هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۲، ضریب جینی در مناطق شهری ایران اندکی بیشتر از ۳۵ درصد، در مناطق روستایی حدود ۳۲ درصد و در کل کشور حدود ۳۶۰۵ درصد بوده است.

طبق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۴، برخی از کشورهای صنعتی و توسعه یافته، شکاف درآمدی بیشتری نسبت به ایران دارند که از جمله آنها آمریکاست با ضریب جینی ۴۰۰۸ است. برخی دیگر از کشورها که شکاف درآمدی بیشتری نسبت به ایران دارند، طبق آمار در سال ۲۰۱۴ عبارتند از: برزیل با نمره ۵۴۰۷، شیلی با نمره ۵۲۰۱، مالزی با نمره ۴۶۰۲، آرژانتین با نمره ۴۴۰۵، چین با نمره ۴۲۰۱، قطر با نمره ۴۱۰۱، آمریکا با نمره ۴۰۰۸، روسیه با نمره ۴۰۰۱ و ترکیه با نمره ۴۰ در این بین

سوئد اکراین و نروژ کمترین نرخ ضریب جینی را در بین کشورها داشته‌اند. بر این اساس در سال ۲۰۱۴ سوئد با داشتن ضریب جینی ۰,۲۵ کمترین نابرابری درآمدی را میان کشورها دارد. بعد از سوئد جایگاه بعدی متعلق به اوکراین می‌باشد که شاخص آن ۰,۲۵۶ اعلام شده است. نروژ نیز با داشتن شاخص ۰,۲۵۸ در رتبه سوم می‌باشد.

نمودار ۲- ضریب جینی کل کشور، مناطق روستایی و مناطق شهری ایران



منبع: مرکز آمار ایران

جدول ۱- ضریب جینی کل کشور ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲

ضریب جینی و سهم درصدی مشابه جمعیت ثروتمند به جمعیت فقیر - کل کشور				
دوره	ضریب جینی	سهم ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین	سهم ۲۰٪ ثروتمندترین به ۲۰٪ فقیرترین	سهم ۴۰٪ ثروتمندترین به ۴۰٪ فقیرترین
سال ۱۳۸۸	۰,۴۱۱۱	۱۵,۹۷	۹,۰۰	۴,۶۳
سال ۱۳۸۹	۰,۴۰۹۹	۱۴,۷۱	۸,۵۴	۴,۵۰
سال ۱۳۹۰	۰,۳۷۰۰	۱۱,۰۹	۶,۷۸	۳,۸۰
سال ۱۳۹۱	۰,۳۶۵۹	۱۰,۷۹	۶,۶۵	۳,۷۵
سال ۱۳۹۲	۰,۳۶۵۰	۱۰,۶۸	۶,۵۷	۳,۷۱

منبع: مرکز آمار ایران

همانگونه که در جداول نیز مشهود است متأسفانه طی سالهای اخیر وضعیت ضریب جینی بهبود قابل ملاحظه ای را نشان نمی‌دهد این ارقام در سال ۹۴ نیز افزایش داشته و ایران با رشد ضریب جینی مواجه بوده است و این یعنی شکاف درآمدی در ایران بالا رفته است. شاخص ضریب جینی در این سال در ایران ۰,۳۸۳ بوده است که در مقایسه با برخی دیگر از کشورهای صنعتی و توسعه یافته شاخص بدی می‌باشد.

۴- نتیجه گیری

مطالعه پژوهش‌های انجام شده پیرامون مساله نابرابری‌های درآمدی و فقر در جامعه ایرانی حکایت از وجود این دو پدیده نامطلوب در کشور دارد. اگرچه نمی‌توان خصوصی سازی را علت تامه بروز این عوارض نامید لکن سیاستگذاری‌های برنامه‌های توسعه با گرایش به سمت خصوصی سازی و کاهش تصدی‌های دولتی در کنار آثار مثبت خود، گاه به واسطه شیوه‌های اجرای ناصحیح و گاه اجرای ناقص آن به یکی از علل بروز نابرابری، شکاف درآمدی و فقر در جامعه ما بدل گردیده است. همچنین تحلیل ثانوی نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص فقر و شکاف در آمدی نشان از اثر پذیری این دو شاخص از سیاست‌های خصوصی سازی در کشور دارد چنانچه ضعف و ناکارآمدی سیاست‌های باز توزیعی به واسطه کوچک سازی دولت و گرایش به خصوصی سازی منجر به افزایش میزان فقر در برخی از سالهای اجرای برنامه پنجم گردیده و شکاف درآمدی نیز با توجه به قدرت گیری بخش خصوصی تشدید شده است.

منابع

الف) کتب:

آربلاستر، آنتونی، (۱۳۷۷) لیبرالیسم غرب ظهور و سقوط، عباس مخبر، تهران: نشر مرکز
 ابراهیمی، محسن، آل مراد، محمود. (۱۳۸۹) توسعه بازارهای مالی و نابرابری درآمدی در ایران، فصلنامه
 پول و اقتصاد، شماره ۶

ابولفتحی قمی، احمد، (۱۳۷۱) درآمدی بر شناخت شاخصه‌های نابرابری درآمد و فقر، تهران، مرکز آمار
 ایران

بشیریه، حسین، (۱۳۹۲) لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، نشر نی
 بیردزال، نانسو و جان نیلس (۱۳۸۹) بررسی واقعیت آثار توزیعی خصوصی سازی در کشورهای در حال
 توسعه؛ مترجم فرهاد مشتاق صفت؛ به سفارش سازمان خصوصی سازی، تهران؛ فرهنگ دهخدا.
 جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۸)، اقتصاد بخش عمومی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
 دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سوم، تهران.

حیدری، خلیل (۱۳۹۰)، برآورد خط فقر در ایران، پژوهشکده، آمار ایران.

رحیق اعضان، گلی، مارک، (۱۳۸۴)، دانش نامه در علم سیاست، تهران، انتشارات فرهنگی صبا.
 رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آتومی یا آشفتگی اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
 ستاری فر، محمد (۱۳۷۴) درآمدی بر سرمایه و توسعه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
 کابلی زاده، احمد، (۱۳۸۴) خصوصی سازی مردمی، تهران، مرکز پژوهش های مجلس.
 گری، جان، (۱۳۷۹). فلسفه سیاسی فون هایک، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو.
 هایک، فردریش، (۱۳۸۲) در سنگر آزادی، عزت اله فولادوند، تهران: انتشارات لوح فکر.

ب) مقالات و پایان نامه:

اسلامی، سیفانله (۱۳۹۳)، "کنکاش پیرامون تأثیر برخی متغیرهای کلان اقتصادی بر شکاف درآمدی"، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی سال دوم، شماره ۷، صفحات ۳۱-۵۶.
 جلالی، محسن (۱۳۹۴) "رویکردیتحلیلی در بررسی فقر در ایران"، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۶۹، صفحات ۴۳-۶۶.
 حیدری، حسین، زهرا، صالحیان، (۱۳۹۲) "نابرابری درآمدی تهدیدی برای سلامت جامعه"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال چهاردهم شماره ۵۳، صفحات ۵-۱۴.
 خلج، سکینه، علی یوسفی، (۱۳۹۳)، "پهنه بندی توزیع و شدت فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران"، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره هجدهم، شماره ۵۵ صفحات ۲۳-۳۹.
 دانایی فرد، حسن و عباسی، طیبه (۱۳۹۰) "تحلیلی بر کوچکسازی دولت"، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال پانزدهم - شماره ۲۹.
 داوودی، پرویز و براتی، (۱۳۸۶) علی، "بررسی آثار سیاست های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۴۳، صفحات ۳۰۵-۳۳۴.
 ربیعی، علی (۱۳۸۹) شکاف درآمدی، "دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار؛ مطالعه موردی ایران"، راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال نوزدهم، شماره ۵۷، صفحات ۱۲۵-۱۴۰.
 شکوه، حسن (۱۳۹۲) "واگذاری بنگاه های دولتی و امنیت اقتصادی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان، شماره دوم، سال شانزدهم، شماره مسلسل ۶۰، صفحات ۶۲-۹۲

صادقی، سید کمال و آمینه شیبائی و مجید افشاری (۱۳۸۹) "بررسی عوامل مؤثر بر تورم با تأکید بر اندازه دولت"، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۱۱، صفحات ۷۵-۱۰۰.

عباسی، منصوره (۱۳۸۸) "چالش‌ها و الزامات خصوصی سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی"، تهران: تدبیر اقتصاد، صفحات ۵-۶.

قاضی، فائزه و هوشمند، محمود، (۱۳۸۷) "بررسی اثر متقابل توزیع درآمد و رشد در اقتصاد ایران"، مجموعه مقالات نخستین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، ۱۰۲-۱۴۰.

قیصری، رجبعلی. (۱۳۸۱) "کنکاش پیرامون اهمیت عدالت در توسعه اقتصاد از منظر اسلام"، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی شماره ۵ و ۶، صفحات ۱۰۵-۱۳۵.

کتابی، احمد، (۱۳۷۴)، "تورم، اختلاف طبقاتی و انحطاط اخلاقی"، نشریه کیهان اقتصادی، شماره ۴۹ و ۵۰، صفحات ۶-۱۱.

شیرودی مرتضی، (۱۳۸۳) "لیبرال دموکراسی در بوت‌نقد"، مجله حصون، شماره ۲، صفحات ۱۰۹-۱۳۲. معافی، زهرا (۱۳۸۸)، ارزیابی سهام عدالت در فزاینده خصوصی سازی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد.

مقبل، عباس، (۱۳۷۲) "فوائد و مشکلات خصوصی سازی صنایع دولتی"، فصلنامه دانش مدیریت، دوره ۲۱، صفحات ۲۹-۶۰.

نگهداری، ابراهیم، پیرایی، خسرو، (۱۳۹۳) "برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس در سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰"، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال نوزدهم، شماره یک، صفحات ۱۵-۳۰.

مهدیار اسماعیلی، محمدرضا، (۱۳۹۴) "رصد و بررسی شاخص‌های کلیدی اقتصادی کشور بر اساس جدیدترین آمارهای جهانی"، اندیشکده سیاست‌های راهبردی اقتصاد و مدیریت، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دی ماه ۱۳۹۴

نوکنده، الهام (۱۳۹۲) پایان نامه، "فرصت‌ها و چالش‌های خصوصی سازی صنعت نفت و گاز در ایران"، دانشکده حقوق، گروه حقوق دانشگاه الزهرا: کارشناسی ارشد.

ج(نشریات و سایت‌ها:

روزنامه همدلی، (۱۳۹۴)، خط فقر در جامعه ایرانی، ۲۲ دی (تاریخ اخذ مطلب مهر ۱۳۹۵)

سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، قابل دسترسی در: www.cbi.ir (تاریخ اخذ مطلب

شهریور ۱۳۹۵)

سایت رسمی سازمان خصوصی سازی، قابل دسترسی: <http://www.ipo.ir> (تاریخ اخذ مطلب آبان

۱۳۹۵)

مرضیه مروج خراسانی، (۱۳۸۵) وضعیت تورم و رابطه آن با فقر در ایران روزنامه دنیای اقتصاد -

شماره ۱۱۹۳ (تاریخ اخذ مطلب مهر ۱۳۹۵)

هایک، فردریش، (۱۳۹۲) قانون قانون گذاری و آزادی: سراب عدالت اجتماعی، مهشید معیری و موسی

غنی نژاد، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، (تاریخ اخذ مطلب آبان ۱۳۹۵)

دنیای اقتصاد، رقابت پذیری ایران در ۱۴ شاخص، چهارشنبه ۳ آبان ۱۳۹۶ به نقل از مجمع جهانی اقتصاد،

۲۰۱۳ (تاریخ اخذ مطلب آبان ۹۵)

Haque M. Shamsul. (2001).the diminishing publicans of public service under the current mode of Governance, public Administration Review, vol.61, Issue 1.

Frazmand, A, (2001) Privatization or public Enterprise reform? Greenwood press.

Smith, Candace, (2012) A Brief Examination of Neoliberals and Its Consequences3Sociology Lens on October 2.

Milev, Raymond (2008) International Political Economy Contrasting Perspectives, London: Rutledge.

Michae, Walton, (2004) Neoliberals in Latin America: Good, Bad, or Incomplete? Latin Volume.

Harbour,Serta(2016), 10 Effects of Inflation, banking rate, August 19.

Kamat, Sangeeta (2004) the privatization of public interest: theorizing NGO discourse in a neoliberal era, Review of International Political Economy Volume 11, Issue 1.

Negative effects of privatization on poverty and income gaps in the Fifth Program of Development

Sepehr Sayed Sadjadi Masood Jafarinezhad Mahmood Ketabi

Abstract

Privatization as an effective and efficient process of economic growth and increasing efficiency in the present era has been welcomed by many policy makers in different countries of the world, and this process has also brought economic growth in the economic spheres in some cases. The present study examines the Fifth Development Plan materials and clauses in terms of some policies that encourage or facilitate privatization using the secondary analysis method. We believe that undesirable effects, such as income gap and poverty, are affected by incomplete or ineffective implementation - of privatization. Accordingly, following the implementation of privatization policies during the previous programs and consequences of these programs as well as during the implementation of the Fifth Development Plan, the gap between 2011 and 2013 has been incremental and there are geographical disparities in the distribution of facilities. Poverty alleviation during this period has not been satisfactory. Evaluating the effects and stemming the negative effects of privatization, which is the main objective of the present research, can prevent the occurrence of complications in future plans for development.

Key words:

Privatization, Iran, Fifth Development Plan, liberalism, income gap, poverty